

گناه در محضر خدا

یکی از صالحین به فرزند خود گفت : مرا بتو حاجتی است . پسر گفت : هر چه بفرمائی اطاعت می کنم . پدر گفت : شب که به منزل می آیی هر چه از هنگام خارج شدن از منزل گفته و انجام داده ای برایم نقل کن . پسر قبول کرد.



یکی از صالحین به فرزند خود گفت : مرا بتو حاجتی است . پسر گفت : هر چه بفرمائی اطاعت می کنم . پدر گفت : شب که به منزل می آیی هر چه از هنگام خارج شدن از منزل گفته و انجام داده ای برایم نقل کن . پسر قبول کرد.

شب که آمد شروع به نقل کرد، تا رسید به حرفهای زشتی که زده بود و کارهای ناروایی که انجام داده بود، از پدر خجالت کشید که بگوید. دست پدر را بوسید و گریه کرد و گفت : ای پدر از این حاجت بگذر و جز آن هر چه بفرمائی اطاعت می کنم . زیرا از تو خجالت می کشم .

پدر فرمود: ای پسر، من بنده ضعیف و عاجزم از من خجالت می کشی ، ولی فردای قیامت در محضر رب العالمین چه خواهی کرد. این موضوع باعث شد پسر توبه کند.

امیر الم منین (ع) در نهج البلاغه می فرماید: کاری که می خواهی انجام دهی ، حرفی را که می خواهی بزنی چنان باشد که فردا بتوانی آن را بخوانی .

آیا می توانی فردا بخوانی که در فلان روز فحش دادم در فلان روز فلان کار زشت را انجام دادم ؟

پس اگر نمی توانی چرا!!؟.... هم اکنون در فکر باش.